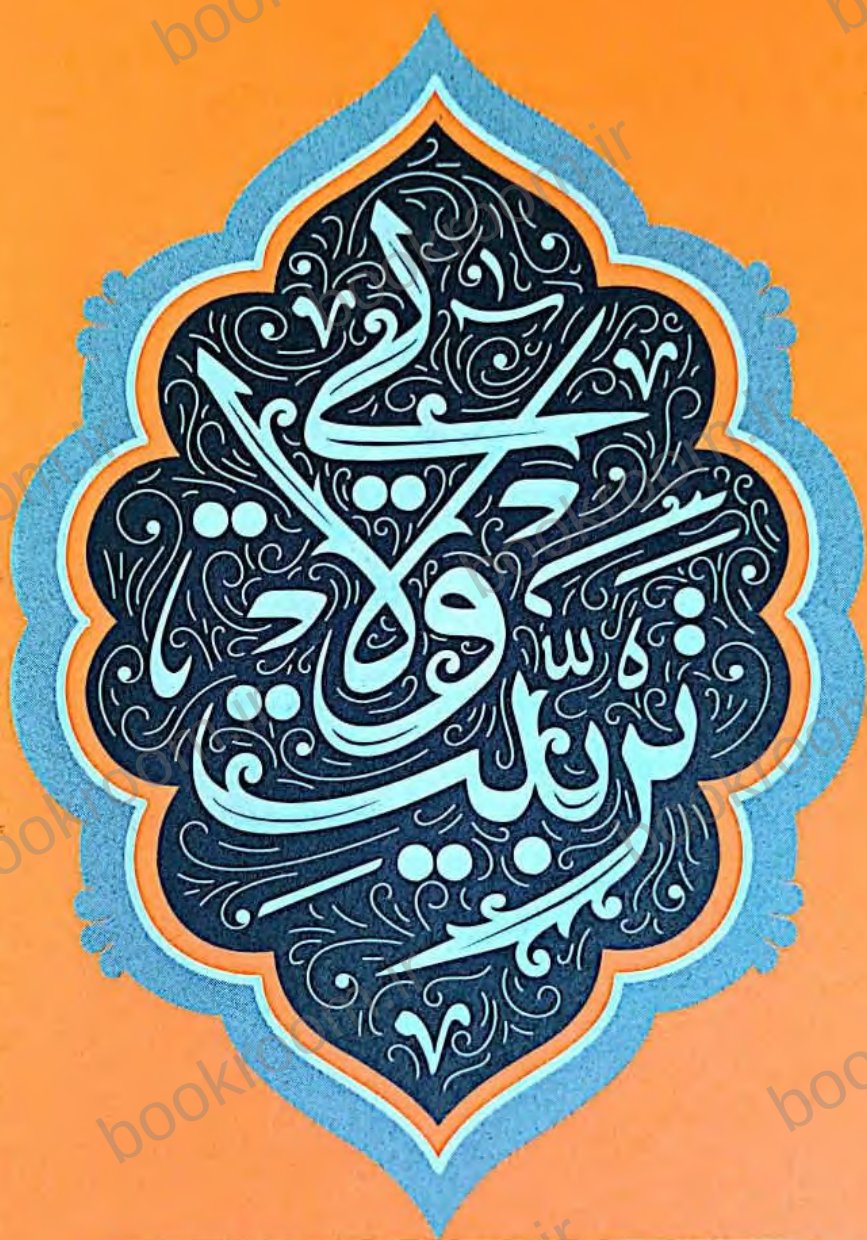




گزیده‌های اخلاقی و سلوکی از آثار آیت الله میراثی



۲۱.....	درآمد.....
۲۹.....	سلوک با توحید و ولایت.....
۱۳۱.....	سلوک با بلاء و ابتلاء.....
۲۰۵.....	ایام و مواقف سلوک.....
۲۲۵.....	سلوک اجتماعی و تمدنی.....
۲۶۵.....	مراقبه‌های طلبگی.....
۲۹۹.....	کتاب‌نامه.....
۳۰۳.....	نمایه.....



درآمد..... ۲۱

سلوک با توحید و ولایت / ۲۹

- عبور از شرک‌های خفی ۳۱
- تشبیه نفس به حوض‌های قدیمی با لجن‌های ته‌نشین شده ۳۱
- حوض نفستان را لایروبی کنید ۳۲
- شکایت از نفس، قدم اول سلوک است ۳۳
- «نیازهای ماه راه‌های ما به سوی خدا هستند» ۳۵
- انسان در فقرها و احتیاجاتش خدا را پیدا می‌کند ۳۶
- انسان مالک هیچ چیز نمی‌شود، بلکه او صندوق‌دار خداست ۳۶
- همه رشد ما این است که از خدا بگیریم و به خدا برگردانیم ۳۷
- با این دو شرط، مستجاب الدعوه می‌شوید ۳۸
- فشارهای زندگی به خاطر گرفتاری در عالم خیال است ۳۹
- باید از حوادث و خطرات، به سمت توحید رهنمون شویم ۴۰
- مثل کشتی شکستگان، دائماً باید در حال اضطرار به خداوند باشیم ۴۲
- توحید یعنی عبور از اسباب و رسیدن به صاحب اسباب ۴۲
- تذکر توحیدی علامه طباطبایی رحمته الله علیه ۴۴
- خوف از حوادث جزئی نظام خلقت، انسان را به جایی نمی‌رساند ۴۴
- مقام بسم الله یعنی اضطرار دائم به اسماء الهی ۴۵
- آنجا که چندان به نتیجه‌گیری امیدوار نیستید، همان جا بیشتر به خدا امید داشته باشید ۴۶
- ادعیه و مناجات‌ها، وسعت عوالم را به ما نشان می‌دهد ۴۷

۴۷.....	مؤمن با یک «تمجید» یا «تکذیب» بازی نمی خورد
۴۷.....	انسان گاهی باید دل به دریا بزند و در یک لحظه، از سر سفره دنیا بلند شود
۴۹.....	در ازدواج، به هر اندازه که توقعات بالا باشد، رنجتان افزایش پیدا می کند
۵۰.....	دار دنیا، محیط بازی و لهو و لعب است؛ فقط تله و عروسک عوض می شود
۵۰.....	در هنگام مرگ، خداوند همه تعلقات را یک جا از ما می گیرد
۵۲.....	مرگ برای بعضی از مؤمنین، رفتن از این سفره خدا به سر سفره دیگر خداست
۵۳.....	حوادث زندگی ما اتفاقی و تصادفی نیست، بلکه مقدرات الهی است
۵۶.....	ولایت، طریق توحید.....
۵۶.....	کفایت نمی کند که انسان بگوید خدا هست؛ ابلیس هم می گفت خدا هست!
۵۶.....	سالک در همه مقامات سلوکی، «مع الله» و «مع الرسول» است
۵۷.....	کسی که وارد وادی ولایت نشود، اخلاقیات تهذیب نمی شود
۵۸.....	اگر امام نباشد، امواج ابلیسی از سر هزار عارف و عامی می گذرد
۵۹.....	عبادتی که در جهت معاویه واقع می شود، گناه و معصیت است
۶۰.....	داستان قاری خوش صدای قرآن، که در نهر روان کشته شد
۶۰.....	اگر ولایت نباشد، نماز هم به دست اولیاء طاغوت مصادره می شود
۶۱.....	ما در منظومه شمسی «امام» هستیم و او ما را با خودش می برد
۶۱.....	اگر وارد بیت امام شویم، این بیت رفعت پیدا می کند و ما هم رفعت پیدا می کنیم
۶۲.....	شرک در توحید، یعنی شرک در ولایت
۶۳.....	امام معصوم، به مؤمن تنوری نیاز دارد
۶۴.....	هیچ کس از حسد و حرص نجات پیدا نمی کند، مگر این که ولایتش را عوض کند
۶۵.....	اگر «ولی خدا» را در معادله سلوک وارد نکنید، این راه رفتی نیست
۶۶.....	اگر نور امام نباشد، خودشناسی محقق نمی شود
۶۷.....	معرفت النفس در پرتو معرفت الامام واقع می شود
۶۸.....	مشارطه با ولی، به جای مشارطه با نفس
۶۹.....	ولایت همه روابط انسان را تنظیم می کند
۶۹.....	«عجب» و «حسد»، انسان را به رقابت با ولی الله می کشاند
۷۱.....	اگر انسان از امام جدا شود، گرفتار وادی تبه می شود
۷۲.....	در وادی تبه، عبادت و ریاضت به نتیجه نمی رسد
۷۳.....	چرخه توسعه مادی، ما را در وادی تبه می چرخاند
۷۴.....	زیارت «سفر الی الله» است که از وادی ولایت عبور می کند
۷۴.....	مرگ هم مرحله ای از سلوک است
۷۵.....	برنامه های شیطان.....
۷۵.....	شیطان از خصوصیات آباء و اجداد ما و تاروپود وجود ما آگاهی دارد
۷۶.....	شیطان نماز چهار هزار ساله خوانده، اما ما نمی توانیم نماز یک ساعته بخوانیم!
۷۸.....	بعضی ها مثل بَر کاه هستند و سوسه های شیطان آنها را زیر و رو می کند

- شیطان ما را وامی دارد که برای تأمین نیازها از اولیای الهی فاصله بگیریم..... ۷۹
- گاهی مؤمن از طریق مؤثق‌ترین دوستانش، مورد هجوم شیطان قرار می‌گیرد..... ۷۹
- شیطان، یکی از علما را تشویق کرده بود که کتابی در ردّ شیطان بنویسد!..... ۸۰
- وقتی حق و باطل ممزوج می‌شود، شیطان فرصت استیلا پیدا می‌کند..... ۸۰
- شیاطینی که بعضی مؤمنین را وسوسه می‌کنند، به اندازه دو قبیله بزرگ عرب هستند..... ۸۲
- اگر «نفس» کنترل نشود، سگ شیطان می‌شود..... ۸۲
- یک قاعده کلی: اگر دیدید هجوم شیطان سنگین شد، بدانید خبری هست..... ۸۳
- حاملان مأموریت‌های بزرگ، شیاطین قوی‌تری دارند..... ۸۴
- اگر کسی مرد نماز قضا خواندن است، از همین امشب شروع کند..... ۸۵
- شیطان اگر بتواند، نمی‌گذارد بکاری! اگر کاشتی نمی‌گذارد جوانه بزند!..... ۸۶
- تقابل شیطان با خط ولایت (صراط مستقیم) است..... ۸۶
- اگر طرح ما مستقل از طرح ولی خدا باشد، شیاطین و طواغیت مصادره‌اش می‌کنند..... ۸۷
- یکی از کارهای شیطان، بدل‌سازی است..... ۸۷
- طی الارض داشت ولی از دیگران یواش‌تر راه می‌رفت..... ۸۸
- گاهی شیطان کمک می‌کند که حال خوشی پیدا بشود..... ۸۹
- مکاشفات شیطانی، یکی از دام‌های ابلیس است..... ۹۰
- شیطان موفقیت‌های دیگران را به رخ شما می‌کشد!..... ۹۲
- مناسک شرعی و اخلاق..... ۹۳**
- اگر نماز خود را اصلاح نکنید، سایر امور زندگی‌تان هم اصلاح نخواهد شد..... ۹۳
- باید زندگی‌ات را متناسب با نماز اول وقت شکل بدهی..... ۹۴
- انسانی که چهل سال نماز می‌خواند، نباید در پله اول باشد..... ۹۵
- چه فرصتی بهتر از جوانی برای نماز قضا..... ۹۵
- بعضی روش‌های سلوکی، انسان را از تعادل خارج می‌کند..... ۹۶
- بعضی‌ها دنبال یک کپسول هستند که بخورند و از اولیای خدا بشوند!..... ۹۸
- آدمی که همیشه غافل است، چطور می‌خواهد در نماز، حواسش پرت نشود؟..... ۹۹
- گاهی خواندن نماز شب موجب می‌شود که انسان دیگران را کوچک ببیند!..... ۱۰۰
- اگر دنبال اثبات خودت بودی، نماز خواندن و روضه خواندن‌ات هم فساد است..... ۱۰۰
- اگر به عبادات مغرور شوی، بلاه در انتظار توست..... ۱۰۱
- محاسنش سفید شده و تازه نقشه می‌کشد که نماز اول وقت بخواند..... ۱۰۲
- کسانی که با کسالت بندگی می‌کنند، در فتنه‌ها زمین‌گیر می‌شوند..... ۱۰۲
- بعضی موانع، توفیق نماز شب را از ما سلب می‌کند..... ۱۰۳
- انس با قرآن، مقدمه فهم قرآن..... ۱۰۳
- ادب در محضر قرآن و مکشوف شدن حقایق..... ۱۰۴
- درجات مؤمنین، تابع درک درجات قرآن است..... ۱۰۵
- چهار اثر تربیتی صلوات..... ۱۰۵

- تا خدا بر پیغمبرش صلوات نفرستد، هیچ کس چیزی به دست نمی آورد ۱۰۶
- علما و بزرگان به مداومت بر صلوات چهارده معصوم توصیه کرده اند ۱۰۶
- ذکری که شما را به انتظار می رساند ۱۰۷
- دعاهای مرتبط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه را دعا‌های اصلی خود قرار دهید ۱۰۷
- شیعیان اهل انفاق هستند، هم انفاق مالی و هم انفاق علمی ۱۰۸
- مستکبرین هم به ظاهر انفاق می کنند، اما از سر عاطفه نیست ۱۰۸
- در صدقه دادن باید کرامت افراد حفظ شود، ولو مستحق نباشند ۱۰۹
- برای خرج خودت با سخاوت هستی، اما در راه خدا خیر! ۱۱۰
- گاهی یکی از دُیون، مانع بهره‌مندی از فیوضات الهی می شود ۱۱۰
- حضرت سلیمان آن مُلک عظیم را داشت اما زاهد بود ۱۱۰
- حکایت دلبستگی به کشکول ۱۱۱
- از آیات کوچک که غفلت کنیم، از آیات بزرگ هم غفلت می کنیم ۱۱۲
- اگر گرفتار هموم هستید، حتماً در جایی از بندگی خارج شده اید ۱۱۲
- اگر کسی در مقام محبت نباشد، نمی تواند راضی به تدبیر خدا باشد ۱۱۴
- داستان کسی که تصور می کرد به مقام رضا رسیده است ۱۱۴
- انسان باید عمل را نگهبانی کند تا خالص شود ۱۱۵
- قیمت اعمال انسان به اندازه قیمت شاکله انسان است ۱۱۶
- اصلاح شاکله بر محور حُب الله و حُب الامام ۱۱۷
- محبوب ترین و عابدترین بنده زمان موسای کلیم ۱۱۸
- کار مخلصانه راننده ۱۲۰
- گاهی انسان خودش را تنقیص می کند تا دیگران از او تمجید کنند! ۱۲۰
- جابر بن عبدالله انصاری و رضایت به فقر و بیماری ۱۲۱
- عُجب، همه عبادات و زحمات انسان را فاسد می کند ۱۲۲
- اگر خودت اهل نماز شب بودی، همسرت نماز صبحش را اول وقت می خواند ۱۲۵
- انسان باید خانواده اش را هم تربیت کند و به ولی خدا برساند ۱۲۷
- سلوک با همسر (حکایت همسر بداخلاق آیت الله العظمی خوانساری) ۱۲۷
- مؤمن هنگام غضب خودش را آزاد نمی گذارند ۱۳۰

سلوک با بلاء و ابتلاء / ۱۳۱

- نقش بلاء در تهذیب ۱۳۳
- سختی و خوشی، دو نردبان سلوک ۱۳۳
- بلاء، راهوارترین مرکب سلوک است ۱۳۴
- نقش بلاها در ایجاد حالت اخبات و انکسار ۱۳۵
- انسان با سختی های بیمارستان هم تربیت می شود ۱۳۷
- اگر با زبان خوش تربیت نشوم، خداوند مرا با عقوبت ها تربیت می کند ۱۳۸

بلاء با حساب و کتاب نازل می شود و با حساب و کتاب رفع می شود ۱۳۸

اگر از ابتلائات درس بگیریم، زودتر جمع می شود ۱۳۹

«صبرِ مؤمن» بر «بلاها» سبقت می گیرد؛ اَوّل صبر به طرف مؤمن می آید و سپس بلاء ۱۳۹

اگر ما به جای حضرت یونس در شکم ماهی بودیم، از خدا گلابه می کردیم ۱۴۰

مؤمن آل فرعون با مقرّض قطعه قطعه شد، اما نجات یافت! ۱۴۴

وقتی کافر فشار می آورد، مؤمن، سفت تر و آب دیده تر می شود ۱۴۵

خداوند می فرماید نگاهتان را اصلاح کنید ۱۴۶

خداوند به انسان عطا می کند که بنده شود و از او می گیرد که بنده شود ۱۴۶

«آنچه که خداوند می دهد» زمینه رشد است، نه آن چیزی که ما دنبال آن هستیم ۱۴۸

ناپاکی های غیرالهی با بلاء تطهیر می شود ۱۴۹

بلاء نقطه ضعف های پنهانی انسان را نشان می دهد ۱۵۰

خداوند توقع دارد در خوشی ها و ابتلائات دست او را ببینیم ۱۵۰

انسان سالک، ابتلائات را به پای خدا نمی نویسد و بدین نمی شود ۱۵۲

سلوک با بلای ولی ۱۵۳

توّلّی و تبّرّی، با تحمّل بلاء امکان می یابد ۱۵۳

بلاء اولیاء الهی، عامل باز شدن ابواب و تشخیص حق و باطل ۱۵۳

رابطه اخلاق حمیده با بلای عاشورا ۱۵۵

بلای ولی خدا، محور تهذیب تاریخ است ۱۵۵

مصائب شخصی، مقدّمه درک بلای سیدالشهداست ۱۵۶

عاشورا کشتی سلوک است ۱۵۷

ضیافت الهی در متن بلای ولی خداست ۱۵۸

قبل از عالم دنیا، مؤمنین به امر خدا وارد آتش شدند و امتحان پس دادند ۱۶۰

توجه به بلای اولیاء، شبهات را برمی دارد ۱۶۰

مراقبه های خاص محرم ۱۶۲

نتیجه مراقبات عام سلوکی ۱۶۲

مراقبه خاص محرم، مراقبه اجابت دعوت سیدالشهداست ۱۶۴

محرم، فرصتی برای «عزم» همراهی سیدالشهدا علیه السلام ۱۶۵

تعلم در انجام وظایف کوچک، مانع دستیابی به خیرات بزرگ ۱۶۶

هوس های کهنه شده در لحظه تصمیم گیری، سر برمی آورند ۱۶۷

جمع بین دنیا و آخرت، عامل جدایی از ولی خدا ۱۶۸

اگر خمس مالت را نمی دهی، چگونه می توانی در راه خدا از جانت بگذری؟! ۱۶۹

اگر در امتحانات کوچک تمرین نکنیم، در امتحانات بزرگ هم امید موفقیت نیست ۱۷۱

اگر کسی از یک حبه قند نگذرد چطور می تواند از یک کله قند و از کارخانه قند بگذرد؟! ۱۷۱

یک قاعده کلی؛ هر عذری که ما را از امامان جدا کند، نپذیرفتنی است ۱۷۲

ضحاک مشرقی در ظهر روز عاشورا امام حسین علیه السلام را تنها گذاشت و رفت ۱۷۳

- حبيب بن مظاهر از شهادتش در ركاب سيد الشهدا عليه السلام اطلاع داشت ۱۷۳
- ما شبیه کدام يك از شخصيت‌هاى عاشورا هستيم ؟ ۱۷۴
- داستان عالمى كه در خواب، به جاى سعيد بن عبدالله قرار گرفت ۱۷۵
- كسى كه از مرگ، فرارى باشد، در دوراهى‌ها ولى خدا را تنها خواهد گذاشت ۱۷۷
- بعضى‌ها با يك مویز یا با يك قاشق ماست، مزاجشان به هم می‌ریزد! ۱۷۷
- ایام محرم، ایام تغییر مسیر زندگی است ۱۷۸
- چهار شرط همراهی با كاروان امام حسين عليه السلام ۱۷۹
- رزق‌هاى ماه محرم: رزق بُكاء و رزق زیارت ۱۸۱
- هیئت و حرم، دو كانون عبور از شبهه‌ها و فتنه‌ها ۱۸۱
- تحلیل عقلی عاشورا جای عزاداری را پُر نمی‌کند ۱۸۲
- عاشورا است كه حُب و بُغض انسان را تراز می‌کند ۱۸۴
- بُكاء مُحَبِّين بالاترین درجه بُكاء است ۱۸۴
- شما هرچه كه در سلوك اخلاقى بخواهید در زیارت سيد الشهدا عليه السلام آمده است ۱۸۶
- زیارت عاشورا طریق تقرب الی الله را بیان می‌کند ۱۸۷
- زیارت عاشورا انسان‌هاى بزرگ تربیت می‌کند ۱۸۸
- خودتان را با روضه تطهیر کنید ۱۸۹
- روضه‌هاى خانگی، ما را بیمه می‌کند ۱۸۹
- تربت امام حسين عليه السلام عمل انسان را از حجاب‌هاى هفت‌گانه عبور می‌دهد ۱۹۰
- اگر تسبیح تربت همراهتان باشد، ذاکر نوشته می‌شوید ۱۹۰
- انقلاب اسلامى حاصل جریان بُكاء است ۱۹۱
- در اربعین، همه تعلقات دنیایی رنگ می‌بازد ۱۹۱
- تربیت با تولی و تبری ۱۹۲**
- راه رسیدن به اخلاق حمیده، تولی و تبری است ۱۹۲
- رُكن اوّل نظام اخلاقى، «عبودیت و مسکنت» است و رُكن دوّم، «تولی و تبری» ۱۹۳
- اخلاق کریمه سه لایه دارد ۱۹۴
- اخلاق یعنی مقاومت در برابر تعدّی به ولى خدا ۱۹۴
- لَعْن و بَرائت، یکی از ارکان عرفان شیعه است ۱۹۵
- کمترین تعلق به دستگاه باطل، حسنات انسان را نابود می‌کند ۱۹۶
- این چه تقوایی است كه در آن، موضع‌گیری در برابر جبهه باطل وجود ندارد؟! ۱۹۷
- انسان مهذب، در وسط میدان درگیری حاضر است ۱۹۸
- اگر انسان اهل لَعْن نبود، امواج شیطاّین و طواغیت را نمی‌تواند دفع کند ۱۹۹
- توبه یعنی تجدید لَعْن و تجدید صلوات ۲۰۰
- مرزهای جامعه را «تولی و تبری» مشخص می‌کند ۲۰۱
- ممکن است مؤمنی فاسق العمل باشد، اما او طیب الزّوج است ۲۰۲
- صفوان جمّال و هارون الرشید ۲۰۲
- چلباسه، زنبور عسل و آتش نمرود ۲۰۳

ایام و مواقف سلوک / ۲۰۵

۲۰۷..... نقش زمان‌ها و مکان‌ها در سلوک

۲۰۷..... بعضی رزق‌های معنوی فقط در مکان‌ها و زمان‌های خاصی ارائه می‌شود.

۲۰۸..... «سُخَر» مثل کره دوغ است

۲۰۹..... به شیطان و نفس، خُذعه بزنید.

۲۱۰..... اعمال کثیر، جای رزق‌های خاص را نمی‌گیرد

۲۱۰..... رزق‌های بین الظلوعین

۲۱۱..... فرصت‌ها منتظر نمی‌مانند؛ انسان باید اهل سرعت باشد

۲۱۱..... «سارعا» یعنی اول اذان در مسجد باش

۲۱۲..... در عید غدیر ابوابی باز می‌شود که در غیر غدیر باز نمی‌شود

۲۱۳..... ماه‌های سلوکی

۲۱۳..... تهذیب و اصلاح نفس در ماه رجب، ماه شعبان و ماه رمضان

۲۱۳..... ماه رجب و ماه شعبان اذن دخول ماه رمضان است

۲۱۴..... زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) در روز اول ماه رجب

۲۱۴..... خروجی ماه رجب، نسیمی از وادی ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

۲۱۵..... کسی که شب خوبی ندارد، روز خوبی هم ندارد!

۲۱۶..... ماه شعبان، ماه سیر در سماوات با شجره طوبی

۲۱۷..... فیض‌های ماه رمضان را از ادعیه این ماه می‌توان فهمید

۲۱۸..... ما به بهانه عبادت، ترک کار می‌کنیم و به بهانه کار، ترک عبادت

۲۱۹..... به فضل خدا امیدوار باشیم، حتی اگر کثرت عمل نداریم

۲۱۹..... در وادی سلوک، مداومت و پایداری جزو الزامات است

۲۲۰..... مراقبه‌های شب قدر

۲۲۰..... انسان در طول سال باید خودش را برای شب قدر آماده کند

۲۲۱..... شب قدر یعنی یک شب سلوک با ولی خدا بهتر از هزار ماه سلوک شخصی است

۲۲۲..... اگر در شب قدر، به امام گره بخوری، هرچه پیش آید خوش آید

۲۲۲..... تصمیم‌ها، قرارها و عهد‌های بزرگ زندگی مختص به شب قدر است

۲۲۳..... از وادی سیدالشهدا (علیه السلام) وارد شب قدر شویم

سلوک اجتماعی و تمدنی / ۲۲۵

۲۲۷..... مدزنیته و انحطاط اخلاق

۲۲۷..... در هر دوره‌ای، «فرعون و هامان و قارون و بلعم باعور» اصل شر هستند

۲۲۸..... دعوی انبیاء، با مستکبرین عالم و با فرعون‌ها و هامان‌ها و قارون‌هاست

۲۲۹..... اومانیزم فرعونک‌هایی تربیت می‌کند که بر سر کوچکی و بزرگی «مصر» شان نزاع می‌کنند

۲۳۰..... زندگی آپارتمانی، فرهنگ معاشرت را تغییر می‌دهد

۲۳۱..... مدل‌ها و ساختارها مدرن، نوعی جبر اجتماعی را به مردم تحمیل می‌کنند

۲۳۲.....	بعضی ها در مقابل نظم خیابانی غرب، احساس حقارت می کنند
۲۳۳.....	بعضی ها در برابر دانش ها و فلسفه های غربی احساس حقارت می کنند
۲۳۴.....	کُفر به طاغوت و استکبار، مقدمه ورود به ولایت الله است
۲۳۴.....	سبک زندگی، تجلی صفات اخلاقی است
۲۳۵.....	خشوع در مقابل علم مادی، یک ردیله اخلاقی است
۲۳۶.....	غرب را تجلیل می کنیم، اما به جوانان می گوئیم مثل آنها لباس نپوشید!

۲۳۹..... انقلاب اسلامی و تکامل اخلاق

۲۳۹.....	اگر از انقلاب اسلامی کنار بکشیم، خداوند دست از هدفش برنمی دارد
۲۳۹.....	مظاهر غربی در جامعه ما، درون جوش نیست، بلکه بُرون جوش است
۲۴۱.....	شاخصه اصلی دین داری و تربیت، قرار گرفتن در زیر پرچم ولی خداست
۲۴۳.....	توصیه میرزا جواد همدانی به شاگردانش
۲۴۳.....	جامعه مبارز، یک جامعه اخلاقی محسوب می شود
۲۴۴.....	سخنی های راه مبارزه، به معنی اشتباه بودن راه نیست
۲۴۵.....	فلسفه سخنی ها و دشواری های مسیر مبارزه، تفکیک صفوف است
۲۴۶.....	جامعه ای که توکل ندارد، از دشمن می ترسد
۲۴۷.....	«جهاد» با دنیای کُفر، یکی از قائمه های گسترش اخلاق کریمه در عالم است
۲۴۷.....	«دفاع مقدس» کارخانه انسان پروری بود
۲۴۸.....	انقلاب اسلامی نسل عظیم پابه رکاب و آماده شهادت تربیت کرده است
۲۵۰.....	فرق شهدا با سالکینی که سلوک شخصی را دنبال می کنند
۲۵۰.....	اصلی ترین معلمان اخلاق، اولیای معصوم علیهم السلام هستند و سپس ولایت فقیه
۲۵۲.....	معلم اخلاق باید در مقابل الگوهای غربی، بسترهای سلوکی و تربیتی دیگری ایجاد کند

۲۵۴..... ۳. تربیت کودک و دانش آموز

۲۵۴.....	آموزش نظام فکری، مقدمه تربیت کودک و دانش آموز مقاوم
۲۵۴.....	حکمت تاریخ را باید در سطح ادبیات کودک و خردسال تنزل دهیم
۲۵۵.....	ما باید فرهنگ اعتقاداتمان را ارتقاء ببخشیم و رابطه آن را با حیات اجتماعی تبیین کنیم
۲۵۷.....	دو خصوصیت نظام فکری اسلامی در جهت ارتقاء انتظارات مذهبی
۲۵۸.....	جوانان نخبه بصیر، هیچ گاه نخبگی خود را در اختیار نظام سلطه قرار نمی دهند
۲۵۹.....	مراحل تربیت دانش آموز بر محور تنظیم «حُب و بُغض»
۲۶۴.....	روش تربیتی امام علیه السلام دمیدن حُب و بُغض و تطبیق آن بر دنیای امروز بود

۲۶۵..... مراقبه های طلبگی

۲۶۷..... رسالت طلبه

۲۶۷.....	طلبه باید خودش را وقف اهداف ولی الله کند
۲۶۹.....	سه نکته مهم در برنامه ریزی تهذیبی و تحصیلی طلاب
۲۷۳.....	برای نخواندن هاپتان برنامه ریزی کنید!

۲۷۳.....	اگر خودت برنامه نداشته باشی، پنجره و در و دیوار ساختمان دیگران خواهی شد
۲۷۸.....	در هیچ آستانی جز آستان اهل بیت علیهم السلام بار نیندازید
۲۷۸.....	همیشه نیمی از وقتتان را به قرآن و معارف اختصاص دهید
۲۷۹.....	جایگاه فقه و فقها در سلوک
۲۷۹.....	فقه خوانی و معارف خوانی یک دستور سلوکی است
۲۸۰.....	وادی فقاقت وادی بسیار با عظمتی است
۲۸۱.....	شیطان همه موانع را پیش می آورد تا شما عالم ربّانی نشوید
۲۸۲.....	اگر عالم ربّانی پیدا کردید، رهایش نکنید
۲۸۳.....	معنی ندارد طلبه، روزی یک بار به حرم نرود
۲۸۳.....	«فقها» باید مرّبی جامعه باشند نه غیرفقها
۲۸۵.....	کرامت حضرت امام علیه السلام و کرامت مرحوم آیت الله بهجت رحمته الله
۲۸۶.....	بعضی ها تا نام عالم بزرگی به میان می آید، می پرسند: آیا طیّ الارض داشت؟
۲۸۷.....	طیّ الارض، ماشین مأموریت است نه ابزار کارهای شخصی
۲۸۷.....	فردی که ظرفیت دریافت «اسم اعظم» را نداشت!
۲۸۸.....	اهل بیت علیهم السلام ، آسرار را به چه کسانی می گفتند؟
۲۸۸.....	انجام واجبات و ترک محرمات
۲۸۸.....	ولایت عرفانی باید از بستر فقاقت عبور کند
۲۸۹.....	ما نیازمند استنباط نظام اخلاقی و منازل سلوکی هستیم
۲۹۰.....	نقش معارف خوانی در سلوک
۲۹۰.....	معارف خوانی مثل دستور ذکر است و انسان را نورانی می کند
۲۹۱.....	دنبال معارف باشید و به داشته های دیگران چشم ندوزید
۲۹۲.....	«عبد مُتَحَنّ»، سزاوار دریافت علم امام است
۲۹۴.....	پژوهشگر حوزوی باید به منابع روایی مراجعه کند و به علوم واسطه ای اکتفا نکند
۲۹۵.....	اول یک دور معارف بخوانید و بعد اگر خواستید، فلسفه و دانش های دیگر
۲۹۶.....	بعد از آشنایی با معارف، زود با پشت دست اسفار و شفا را رد نکنید
۲۹۹.....	کتاب نامه
۳۰۳.....	نمایه

درآمد

درآمد

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

کتابی که پیش روی شماست، منتخبی از مواعظ معنوی و مراقبات سلوکی و تربیتی است که از آثار و گفتارهای استاد سید محمدمهدی میرباقری استخراج شده است.

این مواعظ و اشارات، در پنج فصل دسته‌بندی شده‌اند: فصل اول) سلوک با توحید و ولایت؛ فصل دوم) سلوک با بلاء و ابتلاء؛ فصل سوم) ایام و مواقف سلوک؛ فصل چهارم) سلوک اجتماعی و تمدنی؛ فصل پنجم) مراقبه‌های طلبگی.

کلیات این پنج فصل را شاید بتوان در هفت بند، جمع‌بندی کرد. مطالعه و دقت در این بندها کمک می‌کند که خط اصلی کتاب بهتر دنبال شود:



۱. هدف از زندگی، پرستش خدا و سیر الی الله است؛ «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». اما مهم‌ترین اصل در سفر الی الله این است که راهی به سوی خدا، جز با امام وجود ندارد. اگر در معادله سلوک، ولی خدا را وارد نکنیم، این راه رفتنی نیست و انسان در همان میدان‌ها و منازل آغازین، زمین‌گیر و شکار شیطان می‌شود. اگر انسان تحت ولایت امام قرار گیرد، از آنجا که آن ولایت جز به توحید دعوت نمی‌کند، انسان هیچ‌وقت از محیط توحید خارج و به دایره شرک وارد نمی‌شود. در محیط ولایت ولی خدا، اوصاف رذیله جایی ندارند و همه اوصاف حمیده محقق می‌شوند.

۲. باطن اخلاق، تولی و تبری است. راه دستیابی به اخلاق حمیده، از میدان مجاهده و درگیری همه‌جانبه و دائمی با شیطانی و طواغیت عبور می‌کند. اگر بین جریان حق و جریان باطل، درگیری وجود نباشد و این درگیری، از باطن جامعه به ظاهر آن کشیده نشود و اهل حق، از دستگاه باطل تبری پیدا نکنند و با تمام وجود با آن درگیر نشوند و آن را به انزوا نکشانند، اخلاق کریمه در عالم محقق نخواهد شد. تخلّق کامل یعنی تبری کامل و تولی کامل. اگر انسان مظاهر ولایت طاغوت و جلوه‌های دستگاه شیطان را دوست می‌دارد، تبری او کامل نیست و بالتّبع، اخلاق او کامل نیست.

ما اگر بخواهیم ارکان نظام اخلاقی اسلام را تنظیم کنیم، باید رکن اول را «عبودیت و مسکنت» قرار دهیم و در ذیل آن، «تولی و تبری» را بنویسیم. تولی و تبری، همچون دو بال برای پرواز ما

در ملکوت عالم و طریق تقرب به سوی خدا هستند؛ در فرازی از زیارت عاشورا آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّغْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ بِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». تولی و تبری، به این معنا، یکی از فروع دین نیست، بلکه جزو اصول دین و از ارکان توحید است.

۳. تولی و تبری، با ابتلاء به بلای ولی خدا رشد می‌کند. اگر کسی به بلای امام مبتلا شود و اهل تحمل بلای آنها گردد، تبری از دشمنان خدا برایش ممکن می‌شود و گرنه جلوه‌ها و امواج فتنه‌های آنها آن‌چنان سنگین است که به راحتی نمی‌توان از آنها تبری جست. اگر سید الشهدا علیه السلام به میدان نمی‌آمدند و ما را به ضیافت بلای خودشان دعوت نمی‌کردند، ما به راحتی نمی‌توانستیم به تبری از جنود شیاطین و طواغیت، و تولی به ولایت الهیه و ولایت اهل بیت علیهم السلام برسیم و اساساً نمی‌فهمیدیم که قوای شیاطین و طواغیت، ظُلُمَانی هستند و طبیعتاً رشد اخلاقی و مقامات سلوکی هم در ما واقع نمی‌شد. در حقیقت، «بلای عاشورا» ابزار بسط تولی و تبری در عالم و بستر تهذیب تاریخ است.

۴- «شرع» مُبَيِّن چارچوب ولایت است. شرع توضیح می‌دهد که اگر چه کاری را انجام دهیم از محیط ولایت خارج می‌شویم و اگر چه کاری انجام دهیم در محیط ولایت باقی می‌مانیم. حلال‌ها و واجبات، مناسک روحی، اعتقادی و رفتاری حرکت و سلوک در مسیر توحید و ولایت را نشان می‌دهد و گناهان و محرماتی مثل دروغ، غیبت، تهمت، ریا، حسد، بخل و سایر حرام‌ها، مناسبات



محیط ولایت دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت علیهم السلام هستند؛
 «عَدُوْنَا أَضْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ كُلِّ قَبِيحٍ وَ فَاحِشَةٍ». برای مثال،
 هیچ کس حسود نمی شود مگر این که به محیط ولایت طاغوت وارد
 شود و هیچ کس رغبت به دنیا پیدا نمی کند، مگر این که در محیط
 ولایت ائمه جور وارد شود، چون آنها هستند که دعوت به دنیا
 می کنند و مناسبات حسد و حرص به دنیا را به وجود می آورند و
 لذا هیچ کس، از حسد و حرص به دنیا نجات پیدا نمی کند، جز
 این که ولایتش را عوض کند و وارد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام شود و
 «سلام و لعن» خود را تجدید کند.

بر این اساس و با توجه به اصل «تولی و تبری»، تهذیب در
 صفات اخلاقی و اصلاح در فروع دینی، بدون ورود به صف
 مقاتله نبی اکرم صلی الله علیه و آله با دشمنان خدا میسر نمی شود. همه صفات
 حمیده و همه اعمال صالح، هنگامی معنا دار می شود که انسان
 اولاً در طرح نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ورود کند و ثانیاً به
 صف بندی و مبارزه همه جانبه با کفر و شرک و نفاق مبادرت ورزد
 وگرنه هیچ کس صرفاً با نماز خواندن و روزه گرفتن و انجام بعضی
 کارهای به ظاهر خوب، از نظر اخلاقی به جایی نمی رسد.

۵- در سلوک الی الله، زمان های خاص و مکان های خاص،
 آثار ویژه ای دارند و اگر آن فرصت ها و موقعیت ها از کف بروند،
 در فرصت های معمولی و موقعیت های عادی، سلوک مطلوب
 حاصل نخواهد شد. در حرم های ائمه اطهار علیهم السلام رزقی قرار داده
 شده که در بیرون از آن قرار داده نشده است. در ماه رجب، ماه
 شعبان، ماه رمضان، شب قدر، ماه محرم، دهه ذی حجه، عید

غدیر، روز عرفه، سحر روز جمعه و سحرهای ایام عادی، و در ایام و مواقف مختلف دیگر در درجات مختلف، فرصت‌هایی برای تهذیب و تربیت و سلوک هست که اگر از دست ببرند، جبران‌شدنی و دست‌یافتنی نیستند.

۶- نظریه سلوکی را باید در مناسبات تمدنی امروز هم تنزل داد. اگر مدار تربیت و سلوک، «حُب و بُغض» است، این حُب و بُغض همچون یک بذراست که در وجود انسان قرار گرفته و به درخت بزرگی که دارای ریشه، شاخه، تنه اصلی، شاخ و برگ، میوه و سایه است، تبدیل می‌شود. محور نخست حُب و بُغض، بر مدار خداوند است؛ یعنی باید انسان به گونه‌ای تربیت شود که محبت و نفرت او بر مدار خداوند متعال شکل بگیرد و خالص شود. در محور دوم، باید حُب و بُغض بر محور خدا را در جهت حُب و بُغض بر محور دوستان و دشمنان او قرار دهیم؛ «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ». در این محور، باید جریان تاریخی حق به پرچم‌داری انبیاء و اولیاء الهی و جریان تاریخی باطل به پرچم‌داری شیاطین و فراعنه، ترسیم و شناسانده شود و محبت انبیاء و اولیاء و دشمنی شیاطین و فراعنه در دل متریان کاشته شود. محور سوم، تنزل دادن دستگاه و ساختار حُب و بُغض تاریخی، در مناسبات و منازعات تمدنی امروز است. در دنیای امروز دو جریان بزرگ و اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از: تمدن مادی و تمدن الهی. اگر مرزبندی تاریخی و تقابل جریان انبیاء و فراعنه در مناسبات و درگیری‌های تمدنی امروز تطبیق داده نشود، بذر حُب و بُغض که در دل کاشته شده بود، بارور و



شکوفای نمی شود و تربیت، ناتمام می ماند. حُب و بُغض اگر در مناسبات تمدنی امروز وارد شود، موجب می شود که تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان، از جمله فعالیت های توسعه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، و الگوهای سبک زندگی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل، ازدواج، اشتغال، تفریح و... بر مدار حُب و بُغض شکل بگیرد. شاخصه اصلی این سلوک اخلاقی و تربیتی، دمیدن حُب و بُغض تاریخی بر وجود انسان ها و تطبیق دادن آن بر دنیای معاصر است؛ در این صورت می توان گفت که بذر تربیتی شکوفا شده و درخت پُربار و پرشاخ و برگ را تحویل داده است.

۷. تربیت و سلوک باید بر مبنای تفقه در دین صورت گیرد نه دریافت های شخصی و اندیشه های مستقل و غیرفقهانی. در عصر غیبت، فقط فقهایی که با معارف اهل بیت علیهم السلام مأنوس هستند می توانند بار مردم را ببندند و آنها را در طریق خدا و اولیای خدا سرپرستی کنند و کمتر کاری است که به اندازه تفقه در دین و درک معارف معارف اهل بیت علیهم السلام، در سیر معنوی جامعه و تقرب به خداوند متعال، نقش داشته باشد و در کمتر جایی، این میزان قلوب نورانی تربیت می شوند.

در یک دسته بندی دیگر، شاید بتوان گفت سلوک اخلاقی سه رکن یا سه محور دارد: ۱. عبودیت و مسکنت (عبور از شرک های خفی و جلی و دست یابی به مقام بسم الله و مقام توحید)؛ ۲. تولی و تبری (ورود به محیط ولایت امام به عنوان وادی توحید، ابتلاء به بلای امام، رشد در تولی و تبری، پرهیز از گناهان و محرمات

«اخلاقی و اعتقادی و رفتاری» و تقیّد به واجبات و حلال‌های
«اخلاقی و اعتقادی و رفتاری» به عنوان تناسبات زندگی در وادی
توحید و ولایت؛^۳ تطبیق «عبودیت و مسکنت» و «تولی و تبری»
بر همه موضوعات و مناسبات و منازعات اجتماعی و تمدّنی در
دنایای امروز.

در کنار این سه محور، که متقوّم به یکدیگر هستند، دو تبصره
یا دو تکمله هم طرح شده است که توجّه به جایگاه و نقش ویژه
«ایام و مواقف» و «فقه و معارف» در سلوک و تربیت است.
این نوع تربیت که شاید بتوان آن را «تربیت ولایی» نامید،
الگویی جامع برای تربیت و سلوک است که اگر تفصیل پیدا کند،
می‌تواند سایر الگوهای مطرح شده در حوزه تربیت دینی را تحت
پوشش خود قرار دهد و خلأهای آنها را جبران کند و ارکان آنها را
از نو سامان ببخشد.

تفصیل سرفصل‌ها و نکاتی که در کتاب حاضر آمده است را
باید در دوره‌های اخلاقی و معارفی آیت‌الله میرباقری دنبال کرد.
به امید آن که این کتاب، فتح‌بابی برای تدوین و نشر مجموعه آثار
اخلاقی و تربیتی ایشان باشد. ان شاء الله.

و صلّی الله علی محمّد وآله الطّاهرين

فصل اول

سلوک با توحید و ولایت



عبور از شرک‌های خفی

*** تشبیه نَفَس به حوض‌های قدیمی با لجن‌های ته‌نشین شده**

بزرگان، نَفَس را به حوض‌های قدیمی یا خزینه‌های قدیمی تشبیه می‌کنند که تَه آنها لجن می‌نشست و روی آنها آب صاف است. که با یک تکان آلوده می‌شد. گاهی نَفَس ما هم این‌گونه است. یک چیزهایی تَه نَفَس ما وجود دارند که یک تکان برای برهم زدن و کثیف کردن وجود ما کافی است. آدمی که خیال می‌کرد نَفَس خیلی آرامی دارد و خیال می‌کرد که در زندگی حسود نیست، ناگهان می‌بیند وضع رفیقش از او بهتر شده، در صورتی که از او کمتر درس خوانده؛ از خودش می‌پرسد چطور وضع او بهتر شده؟! می‌بیند که همه وجودش به هم ریخت! ای بنده خدا، از خدا درخواست کن. چه کار داری که خدا به او چه داده است؟



* حوض نَفَسْتان را لایروبی کنید

انسان می‌تواند آرزوها و هوس‌ها و تعلّق‌هایی را که در دلش هست، با تسویف و موکول کردن به آینده به تأخیر بیندازد و با آن مدارا و مماشات کند؛ لذّتی را دوست می‌دارد، امروز چشم می‌پوشد و مماشات می‌کند و می‌گوید حالا فردا؛ دیر که نمی‌شود. کار دیگر این است که ریشه این تعلّقات را در بیاورد. به قول بعضی عرفا، شما خزه‌های تهِ حوض را دیده‌ای؛ دو جور می‌توانی عمل کنی؛ می‌شود حوض را لایروبی کنی، می‌شود آرام بگذاری که این حوض بخواهد. اگر لایروبی کردی، شدیدترین طوفان‌ها هم که بیاید، این آب، گل‌آلود نمی‌شود، ولی اگر نکردی، این لجن‌های ته‌نشین شده، با کمترین حرکتی که در این آب پیدا شود، آب را گل‌آلود می‌کند. اگر انسان با این خوف‌ها، این طمع‌ها و این محبّت‌ها، تصفیه حساب کرد و از این علایق عبور کرد، وجود این انسان صاف شده است. ولی اگر این‌طور نشد و با این علاقه‌ها، محبّت‌ها، عشق‌ها، نیازها، وسوسه‌ها، هوس‌ها که یکی دو تا نیستند، تصفیه حساب نکرد و با تسویف و «إن شاء الله در آینده» و... آنها را پشت سر گذاشت، وقتی لحظه آخر برسد همه آنها سر برمی‌آورند؛ لحظه تصمیم که می‌رسد، آن لحظه که دیگر آینده‌ای در کار نیست و باید تصمیم قاطع را گرفت، همه آنها سر برمی‌آورند، حرکت می‌کنند، فضا را برای انسان تیره می‌کنند، امکان انتخاب صحیح را از انسان می‌گیرند، قدرت تصمیم‌گیری صحیح را از انسان سلب می‌کنند. چرا؟ چون بهره خودش را می‌خواهد! دیگر نمی‌شود بگویی «حالا بعداً ببینیم چه می‌شود»؛ آخرین لحظه